



## ارزیابی بلوغ و محیط رسوب‌گذاری بیتومین شیل پوش سنگ مخزن آسماری در میدان نفتی پازنان با استفاده از آنالیزهای MS-GC و ایزوتوپی ( $\delta^{13}\text{C}$ ) و ( $\delta^{34}\text{S}$ )

امیرسان زروانی<sup>\*</sup>، بهمن سلیمانی<sup>۱</sup>، مسن امیری بختیار<sup>۲</sup>

(۱) گروه زمین شناسی، دانشکده‌ی علوم پایه، دانشگاه شهید چمران اهواز

(۳) شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب

\*عهده‌دار مکاتبات: [sasangeop@yahoo.com](mailto:sasangeop@yahoo.com)

### هکیده

هدف از انجام این مطالعه بررسی محیط رسوبی و ارزیابی بلوغ سنگ منشأ احتمالی شیل‌های بیتومینه‌ی بخش یک سازند گچساران در میدان نفتی پازنان با استفاده از پارامترهای ژئوشیمیایی می‌باشد. بخش یک سازند گچساران به شش لایه‌ی کلیدی تقسیم می‌شود که مهمترین آن‌ها لایه‌ی کلیدی B می‌باشد. این بخش، به عنوان یک لایه‌ی کم ضخامت شیل بیتومینه، در حفاری چاه‌های میدان نفتی پازنان اهمیت بسیار دارد. از مطالعه‌ی بیومارکرهای موجود در بخش مذکور برای تعیین محیط رسوب‌گذاری استفاده گردید. حضور اولین نورهوپان‌ها، وجود مقادیر کم شاخص گاماسران، پائین بودن نسبت استران  $\text{C}_{27}$  نسبت به استران‌های  $\text{C}_{28}$  و  $\text{C}_{29}$  همگی نشان می‌دهند که محیط رسوب‌گذاری لایه‌ی کلیدی B در سازند گچساران، محیطی لاگونی با شوری کم می‌باشد. به منظور تعیین بلوغ شیل‌های بیتومینه، از نمودار استاندارد تغییرات نسبت  $\text{C}_{32}\text{-hopane } 22\text{S}/(22\text{S}+22\text{R})$  در برابر  $20\text{S}/\text{C}_{29}\text{-Sterane}$  (20S+20R) استفاده شد. نتایج حاصل از این نمودار مبین آن است که نمونه‌ی مورد مطالعه در محدوده‌ی نابالغ قرار گرفته و بلوغ خیلی پائینی را نشان می‌دهد. استفاده از نمودار سافر با مقادیر ایزوتوپی کربن به دست آمده از جزء اشباع ( $25000$ ) و جزء آروماتیک ( $2276000$ )، محیط رسوبی قاره‌ای نزدیک دریا را برای شیل بیتومینه افق کلیدی B نشان می‌دهد. مطالعات ایزوتوپی کربن نیز دلالت بر محیط رسوب‌گذاری حد واسط مردابی یا سبخایی دارد. مقدار ایزوتوپ گوگرد ( $\delta^{34}\text{S}$ ) انیدریت در زمینه‌ی ای از مادستون  $16/8 - 10/66$  می‌باشد، اما این مقدار در نمونه‌های کاملاً انیدریتی با افزایش  $21/1 - 10/20/8$  روپرو و نشانگر حضور دو محلول دیاژنتیکی و اولی‌ه‌ی آب دریا است. در نهایت، منشأ محیط حد واسط را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بیتومین شیل، بیومارکر، پوش سنگ، لایه‌ی کلیدی

## Evaluation of maturity and depositional environment of bitumen shale of Asmari reservoir's caprock in Pazanan oil field with use of GC-MS and Isotopic ( $\delta^{13}\text{C}$ ) & ( $\delta^{34}\text{S}$ ) methods

A. S. Zarvani<sup>1</sup>, B. Soleimani<sup>1</sup> & H. Amiri Bakhtiar<sup>2</sup>

1) Department of Geology, Shahid Chamran University, Ahvaz, I. R. Iran

2) NISOC, Ahvaz, Iran

\*Correspondence Author: [sasangeop@yahoo.com](mailto:sasangeop@yahoo.com)

### Abstract

The study of each part of petroleum system is necessary. However, recently, petroleum geologists

focused their attention on the study of source rock, migration and accumulation with use of different geochemical methods. Of these, carbon isotope and biomarkers or chemical fossils are new scopes in petroleum geology especially in correlation. The member 1 of Gachsaran formation divided can be into 6 keybeds that B keybed is very important specially in drilling of Pazanan oil wells. The aim of this study is the evaluation of the cap rock in the Pazanan oil field in view of lithology, isotope and chemical variations. Bituminous shale sample was analysed geochemically. The analytical data of Bitumen's biomarkers belong to member 1 of Gachsaran Formation applied to evaluate sedimentary basin and maturity evaluation of probable source rocks in the caprock. The presence of tricyclic terpanes, bis-norhopane and low quantity of Gammacrane index is subsidiary of low salinity. Some organic geochemical indicators of caprock are also indicating lagoonal environment. Maturity analyses showed that bituminous shale of keybed B is immature.  $\delta^{13}C$  in extracted saturate and aromatic parts of bitumen is measured -25.1 and -22.8‰ respectively. Carbon isotope value ( $\delta^{13}C$ ) of carbonate samples is -20.7. The value  $\delta^{34}S$  of anhydrite in mudstone is 16.6-16.8‰, but it increased in anhydrite samples (20.8-21.1‰). These values reflects the presence of two fluids, diagenetic (brackish) and primary sea water. This measurements indicating non-marine source. These data and lithological variations verify a Sabkha-lagoonal environment. The hot-wet and hot-dry climate can be concluded.

**Key Words:** Biomarker, Bitumen Shale, Caprock, Key-bed.

## ۱- مقدمه

و فیزیکی باشد، لذا از نسبت  $^{13}C/^{12}C$  به عنوان یک نسبت مهم ایزوتوپی در مطالعات ژئوشیمی نفت یاد می شود (Waples 1985).

ژئوشیمی نفت امروزه به عنوان یک علم بنیادی جهت بهبود بازدهی اکتشاف و تولید به کار می رود. در سال های اخیر با استفاده از تئوری ها و روش های مختلف ژئوشیمیایی بسیاری از مسائل مربوط به سنگ منشاء و مهاجرت و تجمع نفت را مورد مطالعه قرار می دهند (Miller 1995). در مطالعات ایزوتوپی، ایزوتوپ هایی که پایدارند اهمیت دارند. اگر چه ممکن است مقدار همه ی ایزوتوپ های یک عنصر کم باشد، ولی اختلاف در مقادیر آن ها می تواند به عنوان یک شاخص ژئوشیمیایی استفاده گردد (Schoell 1984). مهمترین نسبت های ایزوتوپی مورد استفاده در ژئوشیمی نفت، ایزوتوپ های پایدار کربن و گوگرد می باشند. ایزوتوپ های پایدار کربن ( $^{13}C/^{12}C$ ) و گوگرد ( $^{34}S/^{32}S$ ) به عنوان ابزاری بسیار قوی در تعیین محیط رسوبی مورد استفاده قرار می گیرند (Waples 1985).

## ۱-۳- پیاکندی ایزوتوپ های پایدار سولفور در مواد آلی

همانند کربن، سولفور نیز به دو شکل متفاوت در طبیعت دیده می شود:

الف- حالت اکسید شده: به شکل حل شده در آب ( $SO_4^{2-}$ ) و همراه تبخیری ها، مقدار  $\delta^{34}S$  در این حالت بین صفر تا ۴۰۰/۰۰ خواهد بود.

ب- حالت احیاء شده: حل شده در آب ( $S^{2-}$  یا  $HS^-$ )، بعضی مواقع به صورت گاز  $H_2S$  و یا به صورت ترکیبات سولفیدی ظاهر می شود. در این حالت مقدار  $\delta^{34}S$  ۲۰۰/۰۰ خواهد بود (Chaossidon 1990).

## ۱-۴- نشانه های زیستی یا بیومارکرها و کاربرد آن ها در

### مطالعات ژئوشیمیایی

به ترکیبات ارگانیکی موجود در رسوبات، سنگ ها و نفت های خام که شکل و ساختار کربن آن ها را می توان به ارگانسیم های زنده ی تولید کننده ی آن ها تعمیم داد، بیومارکر (Biomarkers) گفته می شود. بیومارکرها در حقیقت میکرومیکروفسیل هایی (microfossils-Micro) هستند که اندازه ی قطر آنها از ۳۰ نانومتر

## ۱-۲- ایزوتوپ های پایدار کربن

برخلاف کربن ۱۴، کربن ۱۳ ( $^{13}C$ ) در تمامی رسوبات سن های زمین شناسی متفاوت یافت می گردد. اگر چه این ایزوتوپ نمی تواند برای تعیین سن به کار رود، اما می تواند بسیاری از ابهامات ژئوشیمیایی را پاسخگو باشد. به دلیل این که اختلاف وفور کربن ۱۳ نسبت به کربن ۱۴ می تواند به دلیل تفریق حاصل از پدیده های بیولوژیکی

پوش سنگ‌ها طبقات غیرقابل نفوذی هستند که سنگ مخزن را پوشانده و مانع تراوش و فرار مواد نفتی می‌شوند و سنگ‌شناسی آن‌ها مشتمل بر انیدریت، ژپس، مارن و آهک است (Schowalters 1976). پوش سنگ مخزن آسماری در میدان نفتی پازنان در واقع بخش یک سازند تبخیری گچساران می‌باشد و سنگ‌شناسی آن‌ها مشتمل بر انیدریت، ژپس، مارن و آهک است که لیتولوژی غالب مارن می‌باشد.

### ۳- روش کار

جهت انجام این مطالعه از میان ۱۰ چاه حاضر، سه چاه جهت آنالیزهای ژئوشیمیایی انتخاب گردیدند. پس از برداشت نمونه و انجام کارهای مقدماتی مانند تمیز کردن و پودر کردن نمونه‌ها (Crushing of the rocks)، استخراج حلال (Solvent extraction) و کروماتوگرافی مایع (Liquid chromatography of extracts)، نمونه‌ها جهت شناسایی بیومارکرها با استفاده از دستگاه جی سی-ام اس (MS-GC) مورد آنالیز قرار گرفتند (MS analysis on saturate fractions-GC). کلیه آنالیزهای انجام شده در این مطالعه توسط آزمایشگاه هامبل (Humble) در انگلستان انجام گرفته است.

جهت انجام آنالیزهای ایزوتوپی کربن بر روی بیتومین استخراج شده از سنگ مادر از دستگاه ای ای-آی آر ام اس (IRMS-EA) استفاده گردید. به منظور پی بردن به ویژگی‌های ایزوتوپی بیتومین موجود در لایه‌ی شیل بیتومینی (لایه‌ی راهنمای B) پوش سنگ مخزن آسماری میدان نفتی پازنان، سه نمونه برای آنالیز ایزوتوپی انتخاب شد. آنالیز ایزوتوپی کربن در هر نمونه‌ی بیتومینی بر روی دو جزء اشباع (saturate) و آروماتیک (Aromatic) آن انجام گرفت.

### ۴- بحث

هدف از انجام این مطالعه تعیین لیتولوژی، محیط رسوبی و ارزیابی بلوغ (Maturity) شیل‌های بیتومینه بخش یک سازند گچساران در میدان نفتی پازنان با استفاده از پارامترهای بیومارکری و ایزوتوپی می‌باشد. بخش یک سازند گچساران به شش لایه‌ی کلیدی تقسیم می‌شود، که مهمترین آن‌ها لایه‌ی کلیدی B می‌باشد. این لایه‌ی کم ضخامت از نوع شیل بیتومینه است که در حفاری‌ها و به خصوص در حفاری چاه‌های میدان نفتی پازنان بسیار با اهمیت

تجاوز نمی‌کند (Hunt 1996). بیومارکرها می‌توانند به صورت مستقیم از ارگانسیم‌های زنده تشکیل و یا به وسیله‌ی تغییرات دیاژنتیکی و کاتازنتیکی در رسوبات شکل بگیرند (Bordenave 1993). مهمترین بیومارکرها‌ی شناخته شده هویان‌ها و استران‌های چهار و پنج حلقه‌ای، پارافین‌های نرمال، ایزوپرنوئیدهایی همچون پریستان و فیتان، کاروتان‌ها و پرفیرین‌ها هستند (Hunt 1996). از موارد کاربرد بیومارکرها که در این مطالعه نیز استفاده گردیده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تعیین محیط رسوب گذاری، ۲- بازسازی شرایط محیطی قدیمه (Paleoenvironmental conditions) به وسیله‌ی واکنش‌های شیمیایی کنترل شده توسط اکسیداسیون - احیاء، پ. هاش (PH)، شوری، ۳- تعیین لیتولوژی سنگ منشاء کربناته یا شیلی (Peters & Moldowan 1993).

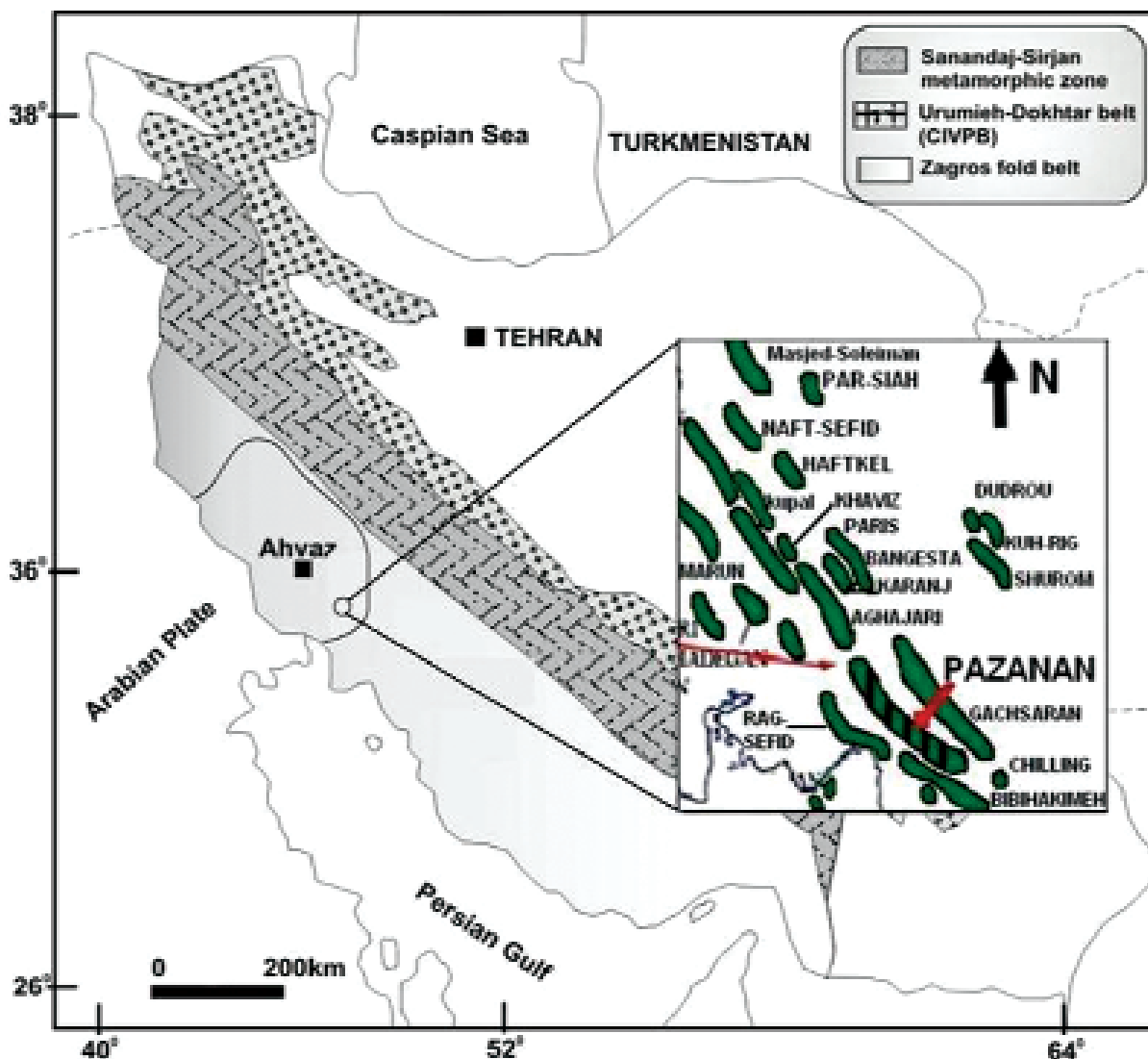
### ۱-۵- محیط‌های سبخایی

در محیط‌های سبخایی اغلب رسوبات تبخیری در یک ستون رسوبی با ضخامت بالای یک متر، بلافاصله در بالای سطح آب وجود دارند. در میان اغلب سواحل سبخایی، یک لایه‌ی کربناته‌ی سیمانی شده در مناطق عمیق ظاهر می‌شود، اما در بالای لاگون و صفحه‌ی جزر و مدی، این لایه از ماسه‌های گلی سیمانی اریب بریده شده، تشکیل شده که در سطح زمین هستند (Shinn 1983). سیمان رسوبی به وجود آمده به صورت آراگونیت‌های سوزنی است. در این نواحی کریستال‌های ژپس به فراوانی دیده می‌شوند (Kendall 1982). بسیاری از رسوبات بالای جزر و مدی شامل ندول‌های انیدریت و یا انیدریت‌های اینترولیتیک هستند (Shinn 1983). اغلب کریستال‌های ژپس شامل اجزاء غنی از کربنات یا غنی از شیل در لامینه‌هاست (Warren 1997).

### ۲- موقعیت زمین‌شناسی و جغرافیایی نامیه‌ی مورد

#### مطالعه

میدان نفتی پازنان در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرق اهواز، جنوب شرق میدان آغاچاری گرفته است. طول و عرض میدان به ترتیب ۶۰ کیلومتر و چهار تا شش کیلومتر می‌باشد. مخزن پازنان یکی از بزرگ‌ترین و مهمترین مخازن گاز میعانی کشور است، که دارای ستون نفتی نسبتاً باریک اما اقتصادی نیز می‌باشد (تصویر ۱).



تصویر ۱- موقعیت زمین شناسی و جغرافیایی میدان نفتی پازنان

منشاء، شرایط کاملاً آحیایی نبوده است (جدول ۱). گاماسران‌ها (Gammaceranes): مقاومت خوبی در برابر تجزیه‌ی زیستی از خود نشان می‌دهند. به همین خاطر در نفت‌ها و سنگ‌های منشاء مختلف می‌توانند حضور داشته باشند. یکی از منشاءهای گاماسران‌ها را به تتراهیمانول‌ها (Tetrahymanols) نسبت می‌دهند (Hunt 1996). گاماسران‌ها در رسوبات تبخیری - کربناته محیط‌های هیپرسالین دیده می‌شوند. رسوبات نهشته شده در دریاچه‌های دارای شوری بالا نیز می‌توانند حاوی این بیومارکر باشند (Hunt 1996). مقادیر بالای این بیومارکر می‌تواند نشان دهنده‌ی لایه‌بندی ستون آب در حین رسوب گذاری سنگ منشاء باشد (Sinninghe Damste et al. 1995). از شاخص گاماسران (فرمول زیر) جهت جدایش محیط‌های رسوب گذاری سنگ منشاء

می‌باشد. برای تعیین محیط رسوب گذاری شیل‌های بیتومینه‌ی بخش یک سازند گچساران در میدان نفتی پازنان می‌توان از پارامترهای مختلفی به شرح زیر استفاده نمود که در نهایت با تلفیق آن‌ها با یکدیگر به نتیجه‌ی کلی می‌توان دست یافت: ترپان‌های سه حلقه‌ای (Tricyclic Terpanes): به صورت فراوان در نفت‌ها و سنگ‌های منشاء دریایی یا دریاچه‌ای یافت می‌شوند (Ourisson et al. 1982). حضور ترپان‌های سه حلقه‌ای نشان دهنده‌ی تشکیل سنگ منشاء در یک محیط دریایی می‌باشد، چرا که این ترپان‌ها در سنگ‌های منشاء قاره‌ای دیده نمی‌شوند (Simoneit 1986) (جدول ۱). همچنین وجود مقادیر - C<sub>28</sub> BNH یا C<sub>28</sub>17a18a21b(h)-bisnorhopane در بیتومین شیل‌های پوش سنگ حاکی از این است که در زمان نهشته شدن سنگ

استفاده می شود (Moldowan et al. 1985) (جدول ۱) و (تصویر ۲).

$$\text{Gammacerane Index} = \frac{\text{gammacerane}}{17(\text{H}), 21(\text{H})\text{-hopane}} \quad (\text{Moldowan et al. 1985})$$

وجود مقادیر کم شاخص گاماسران (Gammacerane Index) حدود ۱۰ درصد نشان دهنده ی شوری کم در زمان رسوب گذاری سنگ منشاء می باشد. وجود مقادیر بالای اولینان (Oleanane Index) در حدود ۳۰ درصد نشان دهنده ی محیط قاره ای است.

جهت تعیین نوع محیط رسوبی و ارگانوسم ها و مواد آلی اولیه می توان از فاکتورهای متفاوتی از جمله پراکندگی و توزیع استران های C<sub>27</sub>، C<sub>28</sub>، C<sub>29</sub> در نمونه های نفتی و سنگ منشاء استفاده نمود. پائین بودن نسبت استران C<sub>29</sub> نسبت به استران های C<sub>27</sub> و C<sub>28</sub> در تمامی نمونه های مورد مطالعه حاکی از سنگ منشاء غیر دریایی است (تصویر ۳). درصد بالای تریان های پنج حلقه ای (Pentacyclic terpanes) با ۶۷ درصد می تواند نشان دهنده ی محیط قاره ای باشد (جدول ۱). نسبت خیلی پائین مقادیر هوپان C<sub>29</sub> به هوپان C<sub>30</sub> (۰/۴۶) نشانگر سنگ منشائی شیلی برای شیل های بیتومینه دار می باشد (جدول ۱).

نمودار تغییرات مقادیر هوپان C<sub>32</sub> 22S / (22S+22R) در برابر استران C<sub>29</sub> 20S / (20S+20R) بیان کننده ی این است که نمونه های شیل بیتومینه افق کلیدی B به مرحله ی بلوغ نرسیده اند (تصویر ۴).

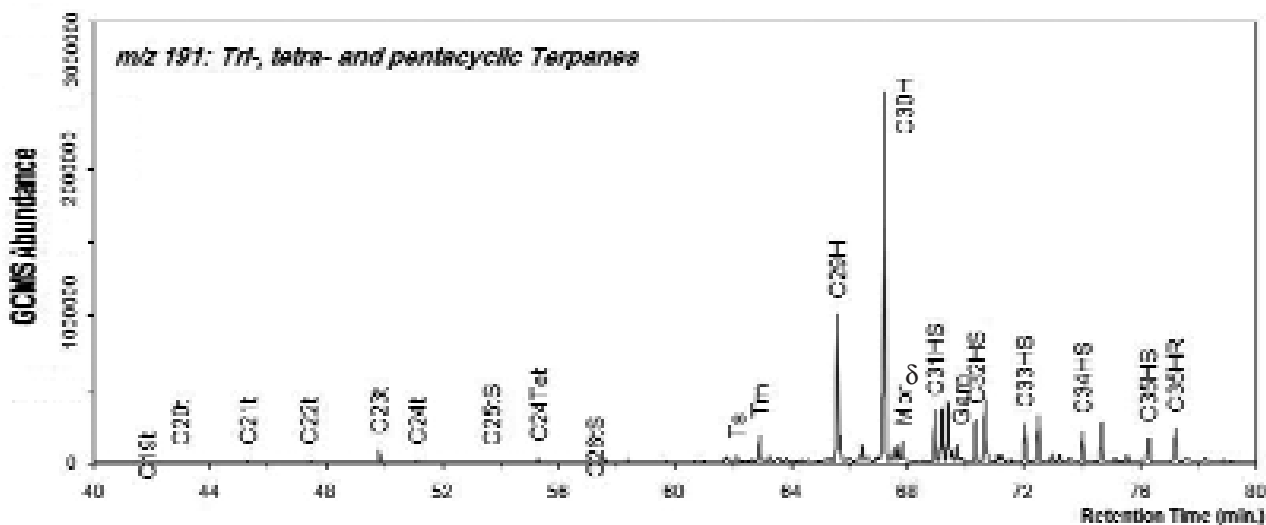
مطالعه ی ایزوتوپ کربن (δ<sup>13</sup>C) در افق های بیتومینه پوش سنگ (طبقه ی راهنمای B) مقدار ۲۰/۷-۰/۰۰ و بر روی جزء اشباع و آروماتیک هیدروکربن حاصل از آن به ترتیب مقادیر ۲۵/۱-۰/۰۰ و ۲۲/۸-۰/۰۰ را نشان داد. مطالعات ایزوتوپی کربن دلالت بر محیط رسوب گذاری حد واسط (مردابی یا سیخایی) دارد.

مقدار ایزوتوپ گوگرد (δ<sup>34</sup>S) اندریت در زمینه ای از مادستون ۱۶/۸ - ۰/۰۱۶/۶ و در نمونه های کاملاً آندریتی افزایش یافته و به ۲۷۱ - ۰/۰۲۰/۸ می رسد. این مقدار نشانگر حضور دو محلول دیاژنتیکی و اولیه ی آب دریا می باشد. در نهایت می توان گفت که منشاء محیط به صورت حد واسط است. سی وی (CV) در واقع فاصله ی عمودی یک نمونه ی نفتی از بهترین خط جدایش دو محیط بر روی نمودار تغییرات δ<sup>13</sup>C<sub>Aro</sub> در برابر δ<sup>13</sup>C<sub>Sat</sub> می باشد که از طریق معادله ی زیر قابل محاسبه می باشد (Sofer 1984):

$$CV = -2.53\delta^{13}C_{\text{Sat}} + 2.22\delta^{13}C_{\text{Aro}} - 11.65$$

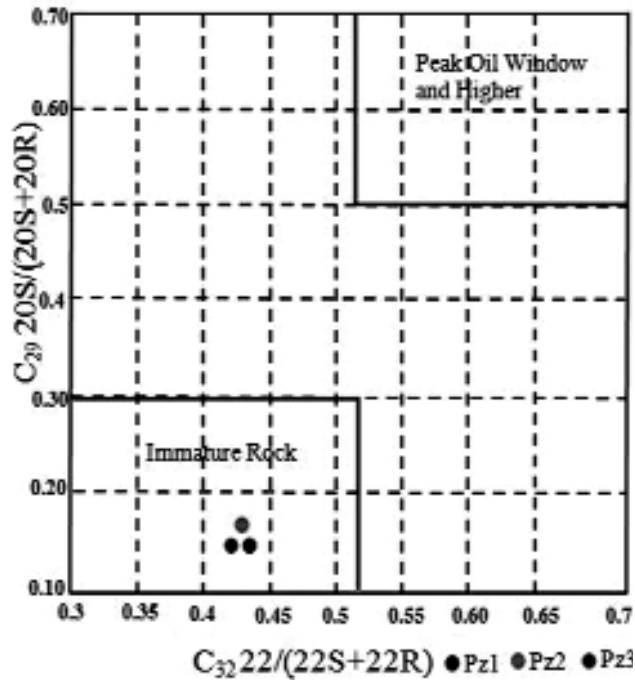
پارامتر سی وی برای بیتومین شیل های پوش سنگ میدان نفتی پازنان معادل ۷۲۵ محاسبه گردید، که نشان دهنده ی مواد آلی با منشاء قاره ای است.

استفاده از دیاگرام سافر (Sofer 1984) در تشخیص نوع محیط رسوب گذاری سنگ های منشاء با استفاده از مقادیر ایزوتوپ کربن ترکیبات اشباع (δ<sup>13</sup>C<sub>Sat</sub>) در برابر ترکیبات آروماتیک (δ<sup>13</sup>C<sub>Aro</sub>)

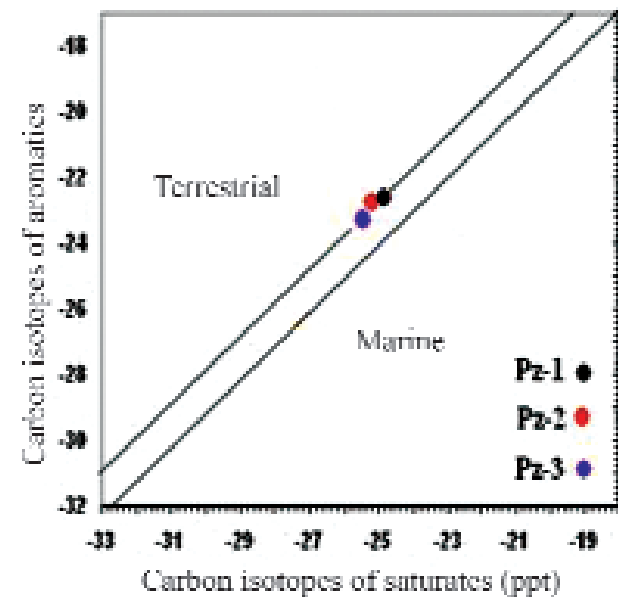


تصویر ۲- هوپانوگرام حاصل از سی جی-ام اس (MS-GC) برش اشباع بیتومینه استخراج شده از شیل بیتومینه افق کلیدی B. پیک کوچک نشان دهنده ی شاخص گاماسران و نشانگر محیط با شوری کم می باشد.

بیتومین شیل های پوش سنگ مخزن نفتی آسماری نشان داد که نمونه های مورد مطالعه دقیقاً با قرارگیری بر روی خط محیط قاره ای (Terrestrial) با تعیین منشاء قاره ای، نتایج قبلی را تأیید می نماید (تصویر ۵).



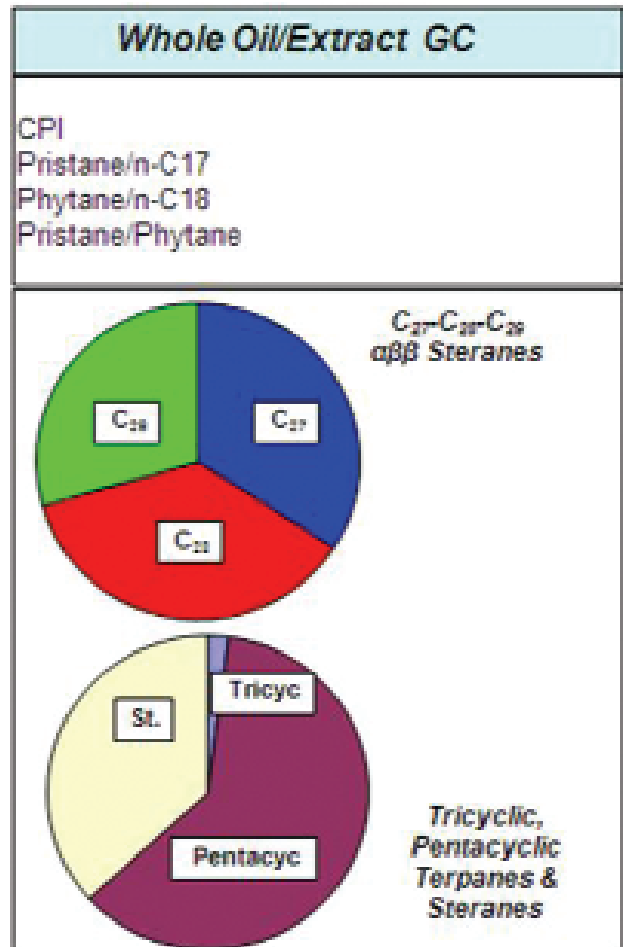
تصویر ۴- نمودار تغییرات مقادیر هویان  $C_{32} 22S / (22S+22R)$  در برابر استران  $C_{29} 20S / (20S+20R)$  به منظور تعیین بلوغ شیل های بیتومینه ای افق کلیدی B در پوش سنگ میدان نفتی پازنان. نمونه ها به مرحله ی بلوغ نرسیده اند.



تصویر ۵- نمودار سافر (Sofer 1984) حاصل از تغییرات مقادیر ایزوتوپ کربن ترکیبات اشباع ( $\delta^{13}C_{sat}$ ) در مقابل مقادیر ایزوتوپ کربن ترکیبات آروماتیکی ( $\delta^{13}C_{aro}$ ) در نمونه های بیتومین شیلی مورد مطالعه که تداعی کننده ی محیطی قاره ای برای سنگ منشاء خود می باشند.

جدول ۱- نتایج آنالیز شیمیایی بیومارکرهای شیل های بیتومینه

Peak Label	Compound Name	R.Time (min.)	Peak Area	Ppm (A.)	Peak Height	Ppm(ht.)
C19t	C19 tricyclic diterpane	۴۰/۷۱	۱۷۱۷۲	۲۱/۳	۶۶/۵۳	۲۵/۸
C20t	C20 tricyclic diterpane	۴۲/۹۷	۲۴۲۴۹	۳۰/۱	۸۳۶۳	۳۲/۴
C21t	C21 tricyclic diterpane	۴۵/۲۹	۵۰۴۸۴	۶۲/۷	۱۹۵۶۱	۷۵/۸
C22t	C22 tricyclic terpane	۴۷/۴۲	۷۲۰۰۳	۸۹/۴	۱۸۸۳۳	۷۲/۹
C23t	C23 tricyclic terpane	۴۹/۸۲	۲۷۱۸۱	۳۴۵/۲	۸۴۲۰۲	۳۲۶/۱
C28B NH	C28 17a18a21b(H)-bisorhopane	۶۴/۷	۲۵۶۴۳	۳۱/۸	۱۱۸۹۷	۴۶/۱
Gam	Gammacerane	۶۹/۵۳	۲۶۹۶۴۸	۳۳۴/۶	۸۷۲۱۰	۳۳۷/۷
	% Pentacyclic Terpanes		۶۱/۲		۶۱/۱	
Ts	Ts 18a(H)-tris-norhopane	۶۲/۱۳	۱۵۱۹۸۷	۱۸۶/۶	۵۰۱۸۹	۱۹۴/۴
	C29Ts/(C29Ts+C29H)		۰/۱۵		۰/۱۶	
	Ts/(Ts+Tm)		۰/۱۸		۰/۲۱	
	C29H/C30H		۰/۴۶		۰/۴۰	



تصویر ۳- پایین بودن نسبت  $C_{29}/C_{28}+C_{27}$  نشان دهنده ی محیط قاره ای است.

## ۵- نتیجه گیری

پایین بودن نسبت استران C<sub>29</sub> نسبت به استران های C<sub>28</sub> و C<sub>27</sub> در تمامی نمونه های مورد مطالعه حاکی از سنگ منشاء غیر دریایی است. پارامتر (CV) معادل ۷۲۵ محاسبه گردید که بیشتر از ۰/۴۷ است و نشان دهنده ی مواد آلی با منشاء قاره ای است. درصد بالای تریان های پنج حلقه ای با ۶۷۲ درصد نشانگر محیط قاره ای می باشد. وجود مقادیر BNH C28 یا (h) bisnorhopane C2817a18a21b در بیتومین شیل های پوش سنگ مخزن آسماری حاکی از این است که در زمان نهشته شدن سنگ منشاء، شرایط کاملاً آحیایی نبوده است. مقادیر کم شاخص گاماسران (Gammacerane Index) محاسبه شده نشان دهنده ی شوری کم در زمان رسوب گذاری سنگ منشاء می باشد. همچنین نسبت بالای مقادیر هویان C<sub>29</sub> به هویان C<sub>30</sub> در بیتومین شیل های مورد مطالعه (۰/۴۶) بیانگر سنگ منشائی قاره ای است.

مطالعه ی ایزوتوپ کربن ( $\delta^{13}\text{C}$  per mil whole rock) در افق های کربناته ی پوش سنگ (طبقه ی راهنمای C) مقدار ۲۰/۷- درصد و در ترکیبات اشباع ( $\delta^{13}\text{C}$  per mil saturates) 25/1- درصد و در ترکیبات آروماتیک ( $\delta^{13}\text{C}$  per mil aromatic) 22/8- درصد است. مطالعات ایزوتوپی کربن دلالت بر محیط رسوب گذاری حدواسط مردابی یا سبخایی دارد.

مقدار ایزوتوپ گوگرد ( $\delta^{34}\text{S}$ ) انیدریت در زمینه ای از مادستون ۱۶/۸ - ۰/۰۱۶/۶ و با افزایش در نمونه های کاملاً انیدریتی به ۲۷۱ - ۰/۰۲۰/۸ می رسد. این مقدار نشانگر حضور دو محلول دیاژنتیکی و اوکیه ی آب دریا می باشد. در نهایت می توان گفت که منشاء محیط به صورت حدواسط است.

استفاده از دیاگرام سافر در تشخیص نوع محیط رسوب گذاری سنگ های منشاء با استفاده از مقادیر ایزوتوپ کربن ترکیبات اشباع ( $\delta^{13}\text{C}_{\text{sat}}$ ) در برابر ترکیبات آروماتیک ( $\delta^{13}\text{C}_{\text{Caro}}$ ) بیتومین شیل های پوش سنگ مخزن نفتی آسماری نشان داد که نمونه های مورد مطالعه دقیقاً با قرارگیری بر روی خط محیط قاره ای (terrestrial)، منشاء قاره ای را معرفی می نمایند. با بررسی آنالیزهای مربوط به بلوغ، بیتومین شیل های لایه ی راهنمای B نابالغ می باشند.

## ۶- تشکر و قدردانی

صمیمانه از اداره ی زمین شناسی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به واسطه ی همکاری های بی شائبه در انجام این مقاله و جناب آقای پروفیسور حسین علیمی قائم مقام شرکت هامبل جهت انجام آنالیزهای ژئوشیمیایی، همچنین برای مباحث و پیشنهادات ارزنده ی ایشان قدردانی می گردد.

## مراجع

- Bordenave, M. L., 1993**, "Applied petroleum geochemistry", *Paris: Editions technip*, 528p.
- Chaussidon, M. & Lorand, J. P. 1990**, "Sulfur isotope composition of orogenic spinel lherzolite massifs from Ariege (NE Pyrenees, France): An ion microprobe study", *Geochimica et Cosmochimica Acta*, Vol. 54 (10): 2835-2846.
- Hunt, J. M., 1996**, "Petroleum geochemistry and geology", 2<sup>nd</sup> Ed. W. H. Freeman & Company, New York, 743 p.
- Kendall, A. C., 1982**, "Evaporites", In: Walker, R. G., (Ed.), *Facies models: Geoscience reprint series 1: Newfoundland, Canada, Geological Association of Canada: 259-296*.
- Miller, R. G., 1995**, "A future for exploration geochemistry", In: Grimalt, J. O. & Dorronsoro, C. (Eds.), *Organic geochemistry: Developments and applications to energy, climate, environment and human history*, A.I.G.O.A., Donostia-San Sebastian, Spain, pp. 412-414.
- Moldowan, J. M., Seifert, W. K. & Gallegos, E. J., 1985**, "Relationship between petroleum composition and depositional environment of petroleum source rocks", *AAPG Bulletin*, Vol. 69: 1255-1268.
- Ourisson, G., Albrecht, P. & Rohmer, M., 1982**, "Predictive microbial biochemistry-from molecular fossils to prokaryotic membranes", *Trends Biochemistry Sci.*, Vol. 7: 236-239.
- Peters, K. E. & Moldowan, J. M., 1993**, "The biomarker guide, interpreting molecular fossils in petroleum and ancient sediments", *Prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey*, 363p.
- Schoell, M., 1984**, "Stable isotopes in petroleum research", In: J. B. Brooks & D. Welte (Eds.), *Advances in petroleum geochemistry*, London: Academic Press, Vol. 1: 215-245.
- Schowalter, T. T., 1976**, "The mechanics are secondary hydrocarbon migration and entrapment Wyoming", *Geol. Assoc. Earth Sci. Bull.*, Vol. 9: 1-43.

**Simoneit, B. R. T., 1986**, "Cyclic terpenoids of the geosphere", In: *R. B. Johns (Ed.), Biological markers in the sedimentary record: Methods in Geochemistry and Geophysics 24*. Amsterdam: Elsevier Science: 43-49.

**Simoneit, B. R. T. (1986)**: "Cyclic terpenoids of the geosphere". In *R. B. Johns (ed.), Biological Markers in the Sedimentary Record: Methods in Geochemistry and Geophysics 24*. Elsevier Science, Amsterdam. Pp. 43 - 49.

**Sinninghe Damste, J. S., Kenig, F., Koopmans, M. P., Koster, J., Schouten, S., Hayes, J. M. & de Leeuw, J. W., 1995**, "Evidence for gammacerane as an indicator of water column stratification", *Geochimica et Cosmochimica Acta*, Vol. 59: 1895-1900.

**Sofer, Z., 1984**, "Stable carbon isotope compositions of crude oils: application to source depositional environments and petroleum alteration", *AAPG Bulletin*, Vol. 68: 31-49.

**Waples, D. W., 1985**, "Geochemistry in petroleum exploration", *Reidel Publish. Co., Boston*, 232 p.

**Warren, J. K. & Kempton, R. H., 1997**, "Evaporite sedimentology and the origin of evaporate-associated Mississippi valley-type sulfides in the Cadiebut mine area, Lennard shelf, Canning basin, western Australia", In: *I. P., Montanez, J. M., Gregg & K. L., Shelton, Basin-wide diagenetic patterns: Integrated petrologic geochemical and hydrologic consideration*, *SEPM Spec. Pub.*, Vol. 57: 183-205.